

نقدی بر مقاله «واتر قیدن در کباب‌غاز»

محمد قاسمی

کارشناسی ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر ادبیات مرکز استعداد‌های درخشان علامه طباطبایی بناب

چکیده

نگارنده معتقد است که معنای «واتر قیدن» در توضیحات درس کباب‌غاز، صفحه ۴۱، کاملاً درست و بجاست و محور هم‌نشینی کلام نیز آن را تأیید می‌کند. از طرف دیگر، معنای نویسنده محترم مقاله «واتر قیدن در کباب‌غاز» - منتشر شده در شماره ۱۰۶ (دوره بیست و ششم، شماره ۴) - نیز ناخواسته معنای تنزل و به عقب برگشتن (پسرفت) را که در توضیحات کتاب برای این واژه ذکر شده است، تأیید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: کباب‌غاز، واتر قیدن، ترقی معکوس، پسرفت

مقدمه

داستان کباب‌غاز یکی از درس‌های جذاب کتاب ادبیات فارسی سال دوم متوسطه است که همه دانش‌آموزان هم با رغبت تمام آن را می‌خوانند. در مقاله‌ای با عنوان «واتر قیدن در کباب‌غاز» به قلم توانای همکار عزیزمان، حسین نظریان که در شماره ۱۰۶ مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی منتشر شد آمده بود که «واتر قیدن» در آن متن در معنای نامعمول «رشد جسمی سریع ناگهانی و نامتناسب» به کار رفته است. از آنجا که مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی تنها جایی است که همکاران در سطح وسیع، می‌توانند به تبادل افکار بپردازند، در این مقاله ضمن قدردانی از زحمات همکار گرامی نکاتی چند یادآوری می‌شود.

راوی داستان «مصطفی» را «درازقد» توصیف می‌کند ولی باید توجه داشت که در توصیف وضعیت ظاهری او برای ایجاد طنز، اغراق می‌نماید. در ادامه داستان نیز برای اینکه مصطفی خان در پیش مهمان‌ها حاضر شود، یک دست از لباس‌های شیک و پوتین جیر برآق خود را به او می‌دهد تا بپوشد و نونوار شود. پس مصطفی که لباس و پوتین راوی را پوشیده است، نباید بیماری ژینگانتیسم یا غول‌پیکری داشته باشد؛ مگر اینکه فرض کنیم خود راوی داستان نیز چنین بیماری‌ای داشته و لباس

و کفش آن دو هم‌اندازه بوده یا اینکه راوی دچار تناقض‌گویی شده است! معقول می‌نماید که بگوییم مصطفی درازقد و بدریخت است ولی نه به اندازه‌ای که بیمار قلمداد شود.

نویسنده در قسمتی از مقاله نوشته است: «به نظر می‌رسد که او (مصطفی) دچار چنین مرضی (ژینگانتیسم) بوده است و توصیفات نویسنده نمی‌تواند ناتوانی ذهنی مصطفی را به ذهن القا کند؛ تا بگوییم پیشرفت و ترقی نکرده است بلکه در اینجا، منظور نویسنده مشخصات فیزیکی و جسمی است...» (نظریان، ۱۳۹۲: ۵۶). اکنون توصیفات را که راوی از مصطفی داشته است، با همدیگر مرور می‌کنیم.

راوی اولین بار که خبر آمدن مصطفی را می‌شنود، او را این‌گونه توصیف می‌کند: «لات و لوت و آسمان جل و بی‌دست و پا و پخمه و تا بخواهی بدریخت و بدقواره» (داودی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲). در ادامه داستان نیز در مورد او می‌نویسد: «به خود گفتم این مصطفی گرچه زیاد کودن و بی‌نهایت چلن است...» (همان: ۳۳). با توجه به توصیفات بالا، درست است که نویسنده برای ایجاد طنز در توصیف مشخصات فیزیکی مصطفی اغراق می‌کند ولی با واژه‌های پخمه و کودن به ناتوانی ذهنی او نیز اشاره مستقیم دارد. توضیحات نویسنده مقاله به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد اگر توصیفات مصطفی در داستان، ناتوانی ذهنی او را القا کند (که نه تنها القا، بلکه آشکارا نیز بیان می‌کند) (نویسنده مقاله) می‌پذیرد که واتر قی در معنی تنزل و پسرفت است و الا معنای رشد سریع و نامناسب را عنوان می‌کند. حال باید گفت:

- توصیفات نویسنده هم ناتوانی ذهنی مصطفی هم مشخصات فیزیکی و جسمی او را نشان می‌دهد.
- چگونه است که ما در ناتوانی ذهنی، «واتر قیدن» را به معنی پسرفت قبول داریم ولی در وضعیت فیزیکی و جسمانی - که نسبت به قبل بدتر شده است - نمی‌پذیریم راز این دوگانگی ما را معلوم نشد. همچنان که از متن داستان برمی‌آید، مصطفی قبلاً

راوی داستان
«مصطفی»
را «درازقد»
توصیف می‌کند
ولی باید توجه
داشت که در
توصیف وضعیت
ظاهری او برای
ایجاد طنز،
اغراق می‌نماید

تصویر برگرفته از مجله موسوی

رسمی و از آن جمله در مقالات استفاده نکنند. حال در مجله آموزشی رشد زبان و ادبیات فارسی و از قول یک معلم ادبیات، کاربرد عبارت‌هایی چون «سری بکشم» و «کنار بیایم» پسندیده نیست.

بیش از نصف حجم مقاله به پیشوند «وا» اختصاص یافته است که نقل قول مستقیم از لغت‌نامه دهخدا است. حدود ۸۰ درصد این مطالب غیرضروری است و به دریافت معنای «واتر قیدن» کمکی نمی‌کند. برای مثال، تنها برای بیان این مطلب که «وا» پیشوند فعل است ۲۵ مثال ذکر شده است. گفتنی است که کسی با پیشوند بودن «وا» مشکلی ندارد تا برای اثبات آن به این سیل عظیم شواهد نیاز باشد و از طرف دیگر، آوردن آن همه مثال برای موضوعی واضح، بهبود بر حجم مطلب می‌افزاید و باعث ملال خاطر خواننده می‌شود. نویسنده محترم می‌توانست مطالب مربوط را به صورت مختصر بیاورد و برای مطالعه مفصل به لغت‌نامه دهخدا ارجاع دهد.

نویسنده معنای تنزل و پسرقت را برای واژه «واتر قیدن» سطحی و معمول عامیانه عنوان کرده است. حال پاسخ به این سؤالات برای رفع ابهام ضروری است: با چه ملاک و معیاری، پسرقت، سطحی و معمول عامیانه محسوب می‌شود؟ معنای عمقی و نامعقول رسمی آن چیست؟ چرا معنای رشد سریع و ناگهانی و نامناسب- که معنای مورد نظر نویسنده است و در واقع همان پسرقت یا پیشرفت معکوس است- معنای سطحی و معمول عامیانه نیست؟

همان‌گونه که از متن مقاله پیداست، نویسنده به منابع دیگری چون فرهنگ لغات عامیانه و یک کتاب یا سایت برای توضیح ژيگانتيسم مراجعه کرده ولی در منابع به آن‌ها اشاره‌ای نشده است.

نتیجه

با توجه به مطالب بالا به این نتیجه می‌رسیم که مطابق توضیحات کتاب درسی «تنزل» و «به عقب برگشتن» معنای مطلوب واتر قیدن است و متن داستان نیز این معنا را تأیید می‌کند. مصطفی نسبت به قبل بدقواره‌تر شده و این پیشرفت او معکوس و منفی است که همان مفهوم تنزل و پسرقت را می‌رساند. معنای پیشنهادی نویسنده مقاله نیز همین معنی را تأیید می‌کند. معنای مورد نظر ایشان «رشد جسمی سریع ناگهانی و نامتناسب» است. **رشد جسمی برابر است با پیشرفت و نامتناسب نیز برابر است با منفی و معکوس.** پیشرفت معکوس و منفی هم همان تنزل و پسرقت است.

بدقواره بوده و حالا هم نسبت به قبل بدقواره‌تر شده است. طبق تحقیق نویسنده، او به بیماری ژيگانتيسم مبتلاست. پس به سمت بهبود پیشرفتی نداشته بلکه پسرقت داشته و بدتر هم شده است. اگر بخواهیم سیر قواره انسان را نشان دهیم، بدین صورت است:

خوش قواره ← قواره متوسط ← بدقواره

با توجه به نگاره بالا، قواره متوسط حد وسط خوش قوارگی و بدقوارگی است. پس هرچه از حد وسط به سمت خوش قوارگی برود، می‌گوییم ترقی کرده (خوش قواره‌تر شده) است. چون خوش قوارگی مفهوم مثبتی دارد، برای بیان آن از واژه پیشرفت استفاده می‌کنیم. در مقابل، هرچه از مرز میانی دور شود، پیشرفت منفی یا معکوس (پسرقت) داشته و به اصطلاح جمالزاده واتر قیده (بدقواره‌تر شده) است. با توجه به توضیحات بالا به این نتیجه می‌رسیم که توضیحات کتاب درسی و معنی فرهنگ‌ها کاملاً درست و بجاست.

نویسنده در پایان مقاله به این نتیجه رسیده که «واتر قیدن» به معنی «رشد جسمی سریع ناگهانی و نامتناسب» است. این معنی نه تنها با معانی داده شده در توضیحات کتاب درسی و فرهنگ‌ها تقابلی ندارد بلکه با کلماتی دیگر، تأیید کننده همان معناست؛ چون **رشد جسمی همان مفهوم پیشرفت و ترقی، و نامتناسب هم حالت معکوس و منفی** را می‌رساند و پیشرفت منفی و معکوس، همان تنزل و پسرقت است. برخلاف نظر نویسنده، در این متن پیشوند «وا» معنای ترقی را منفی و معکوس می‌سازد؛ و گرنه چگونه معنای این واژه به رشد جسمی نامتناسب تعبیر شده است.

برای من جالب و تعجب‌آور بود که دبیر محترم، به قول خودشان بعد از سال‌ها تدریس آن هم توسط دانش‌آموزی زرنگ و مؤدب متوجه معنی «واتر قیدن» در توضیحات کتاب شده‌اند و این موضوع، انگیزه‌ای برای نوشتن آن مقاله بوده است. نویسنده مقاله بعد از اینکه متوجه می‌شود در توضیحات کتاب واتر قیدن به معنی تنزل کردن و به عقب برگشتن معنی شده نوشته است: «چون نمی‌توانستم با این معنی کنار بیایم، پیش خود گفتم تا بیش از این کباب نشده‌ام، کباب غاز را بگذارم و برای یافتن معنایی درست به لغت‌نامه سترگ دهخدا سری بکشم؛ شاید به نتیجه‌ای برسم» (نظریان، ۱۳۹۲: ۵۶). ما همیشه به دانش‌آموزان خود تأکید و توصیه می‌کنیم که از کلمه‌ها و عبارت‌های عامیانه و محاوره‌ای در متون

منابع

۱. جمالزاده، سیدمحمدعلی؛ فرهنگ لغات عامیانه، به کوشش محمدجعفر مخجوب، انتشارات فرهنگ ایران زمین، تهران، ۱۳۴۱.
۲. داودی، حسین و همکاران؛ ادبیات فارسی دوم متوسطه، چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ چهاردهم، تهران، ۱۳۹۰.
۳. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم از سری جدید، تهران، ۱۳۸۳.
۴. نجفی، ابوالحسن؛ فرهنگ فارسی عامیانه، انتشارات نیلوفر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
۵. نظریان، حسین؛ «واتر قیدن در کباب غاز»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، دوره بیست و ششم، شماره ۴، ۱۳۷۸.